

سرنوشت شاه و فرح پهلوی بعد از فرار از ایران

فرح دیبا همسر سوم محمدرضا پهلوی پس از فرار از ایران روایت می‌کند دنیا طوری با ما رفتار می‌کند که گویی بزرگ‌ترین جنایتکاران روی زمین هستیم. رفتاری که با ما می‌شد و از محلی به محل دیگر پرتاب می‌شدیم، وحشتناک بود.



فرح دیبا همسر سوم محمدرضا پهلوی پس از فرار از ایران روایت می‌کند دنیا طوری با ما رفتار می‌کند که گویی بزرگ‌ترین جنایتکاران روی زمین هستیم. رفتاری که با ما می‌شد و از محلی به محل دیگر پرتاب می‌شدیم، وحشتناک بود.

غلامرضا خارکوهی تاریخنگار انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار تاریخ خبرگزاری فارس، اظهار داشت: فرار محمدرضا شاه در روز 26 دی ماه 1357 جهان را تکان داد.

وی افزود: ساعت دو بعد از ظهر بود که خبر فرار شاه از رادیو پخش شد، فریاد شادمانی جمعیت به هوا رفت، چراغ اتومبیل‌ها روشن شد، برف پاک‌کن‌ها به رقص درآمدند، بوق‌ها به راه افتاد، غلغله شهر را برداشت.

خارکوهی ادامه داد: جمعیت به شور آمده، و هر کدام به طریقی نفرت خود را از شاه نشان دادند؛ برخی اشک شوق می‌ریختند، برخی عکس شاه را در اسکناس درشت پانصد تومانی و هزار تومانی سوراخ کرده بودند و بر دست گرفته بودند. گروهی هم نقل و نبات پخش می‌کردند.

وی افزود: جمعی نیز عکس‌های حضرت امام خمینی (ره) را بین سرنشینان اتومبیل‌ها پخش می‌کردند. ساعت حدود چهار بعد از ظهر روزنامه‌های اطلاعات و کیهان با تیتر «شاه رفت» منتشر شدند.

خارکوهی ادامه داد: تیتر روزنامه‌ها از همیشه درشت‌تر بود. مردم روزنامه‌ها را بر سر، دست گرفته بودند و به یکدیگر نشان می‌دادند. برخی بین کلمه «شاه» و «رفت» ابرو باز کرده، با دست کلمه «در» را اضافه کرده بودند.

وی ادامه داد: در نتیجه تیتر روزنامه‌ها به صورت «شاه در رفت» خوانده می‌شد. مردم به مجسمه شاه حمله کردند و آن را پایین کشیدند و پرچم‌های الله اکبر را به جای مجسمه‌های خرد شده شاه، نصب کردند و به آرزوی خود که از 28 مرداد 32 در دل داشتند، رسیدند.

این تاریخ‌نگار ادامه داد: مردم توانستند طاغوت پرنخوت زمانه را که 37 سال غاصبانه و به زور بر آنها حکومت کرده بود مجبور به فرار کنند، شادی و شغف مردم پس از شنیدن خبر در رفتن شاه دیدنی بود و خاطر آن روز هرگز از ذهن ملت فراموش نمی‌شود.

وی با بیان اینکه باید توجه داشت که فرار شاه از ایران، از حوادث مهم تاریخ انقلاب اسلامی است، گفت: بنابراین در این نوشتار

سعی شده است به برخی از حوادث و وقایع دیماه سال 1357 که به فرار شاه از کشور منجر شد، از نگاه رسانه های دیداری، شنیداری، نوشتاری و... پرداخته شود.

این مورخ تصریح کرد: همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است پیام های حضرت امام خمینی (ره) که راهگشا و راهنمای مبارزات ملت ایران بود و توطئه های شوم شاه و عمال آن را خنثی می ساخت، اشاره شده است.

وی با اشاره به اینکه محمدرضا شاه پهلوی پادشاهی بود که سلطنتش را موهبت الهی می پنداشت و خود را موجودی فرازمینی تصور می کرد. گفت: محمدرضا خود را شاه شاهان، خدایگان و وارث حکومت 2500 ساله شاهنشاهی ایران می دانست و همه دول استکباری غرب خاصه آمریکا- و حتی ابرقدرت کمونیست شرق حامی آن بودند، اما با این وجود، ناگهان با دم روح الهی خمینی کبیر و خروش ملت مسلمان ایران از تخت طاووس به زیر افتاد و فرار را بر ماندن ترجیح داد.

وی ادامه داد: شاه و همسرش آنقدر جنایت کرده بودند که پرونده قطور و سیاهی از جنایات مختلف سیاسی و فرهنگی و اقتصادی داشتند و خود می دانستند که اگر در ایران بمانند مردم انقلابی آنها را قطعه قطعه می کنند. به همین خاطر یک ماه مانده به پیروزی انقلاب از کشور فرار کردند.

وی سپس با ذکر لحظات پس از فرار شاه گفت: ماهها بود که شاه و همسرش از ضربه های پیاپی قیام فراگیر انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، خواب و آرامش و اعصاب خود را از دست داده بودند و لحظه ها و روزهای به شدت نگران کننده ای را سپری می کردند.

خارکوهی با اشاره به تدبیرهای ناموفق شاه در ماه های پایانی حکومت خود ادامه داد: محمدرضا شاه و حامیان داخلی و خارجی اش هر حيله ای را که تا آن موقع بکار بسته بودند، موثر نیفتاده بود. تعویض پیاپی دولت ها، مذاکره و مصالحه با شریعتمداری و ملی گراها، اشک تمساح ریختن های شاه در پیام آبان که گفته بود صدای انقلاب شما را شنیدم، وعده های توخالی شخص شاه و دولتش، جلب حمایت های آمریکا و انگلیس و اروپا، انحلال ساواک و بازداشت چند مهره دست پرورده، و دهها ترفند دیگر از جمله نقشه هایی بود که بکار بستند تا شعله های انقلاب را خاموش کنند ، ولی موثر نیفتاد و حتی دامنه اعتراضات مردمی بر علیه سلطنت افزایش یافت .

وی افزود: در نتیجه روز 26 دی ماه سال 57 در حالی که ده روز از عمر دولت بختیار می گذشت، شاه به اتفاق همسرش با چهره های غمگین و چشمان گریان با هواپیمای اختصاصی و مجلل خود ایران را ترک کرد و گفت: «من برای معالجه و استراحت می روم»، در حالی که همه می دانستند، او در واقع از ترس جانش که مورد تهدید انقلاب عظیم ملت ایران بود، داشت فرار می کرد.

این مورخ گفت: به دنبال فرار شاه رئیس ستاد بزرگ ارتشداران و رئیس شهربانی کشور با ابلاغ دستورالعملی وضعیت کشور را از ساعت 7/5 صبح روز سه شنبه 26 دی ماه - روز فرار شاه - بحرانی اعلام کردند و بر آماده باش کامل نیروها و آمادگی یگانهای نظامی برای انجام پدافند ملی در آن روز تاکید نمودند.

خارکوهی ادامه داد: در واکنش به فرار شاه از ایران، حضرت امام خمینی بلافاصله در همان روز طی بیانیه ای خروج شاه را اولین مرحله پایان یافتن سلطه جنایت بار 50 ساله رژیم پهلوی عنوان کرد و این پیروزی را به ملت ایران تبریک گفت و اعلام نمود که بزودی دولت موقت انتقالی را معرفی می کند و در اولین فرصت به ایران باز خواهد گشت.

وی با اشاره به شعار مردم پس از فرار شاه گفت: شعارها این بود «ای شاه خائن آواره گشتی، خاک وطن را ویرانه کردی، گشتی جوانان وطن ،الله اکبر، کردی هزاران درکفن، الله اکبر، مرگ بر شاه (5 بار)» باز در درباره حضرت امام خمینی چنین می خواندند: «یارب نگهدار ، رهبر ما را ،مرجع ما را، پیروزی از حزب خداست، انافتحنا، عمر ستمگران فناست ،انافتحنا، روح الله (5 بار)»

خارکوهی با یادآوری روزهای پر مشقت شاه و خانواده اش گفت: شاه با آن همه دبدبه و کبکبه که خود را وارث تاج و تخت 2500 ساله شاهنشاهی ایران در دنیا معرفی می کرد و خود را یک شخصیت محبوب جهانی معرفی می نمود و همه روسای دول کشورها بویژه دول غربی و عربی را حامی و دوست مخلص خود تصور می کرد پس از فرار، بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی دشوارترین روزها را سپری کرد. چنان که خود شاه از آن ماه ها به عنوان ماه های درد و وحشت و نومیدی و خون دل

یاد می کند و می گوید: «هیچ کشوری در این دنیای بزرگ حاضر به پذیرفتن من نیست».

وی افزود: در دوران دربدری شاه تنها کسی که او را همراهی می کرد فرح پهلوی همسرش بود که او هم شدیداً از این وضع خسته شده بود و به تنگ آمده بود به همین خاطر اعتراف کرد « دنیا طوری با ما رفتار می کند که گویی بزرگترین جنایتکاران روی زمین هستیم. رفتاری که با ما می شد و از محلی به محل دیگر پرتاب می شدیم وحشتناک بود.»

خارکوهی در پایان خاطرنشان کرد: مدت دربدری شاه در کشورهای مختلف جهان پس از فرارش از ایران، هجده ماه بطول انجامید، تا اینکه عاقبت در پنجم مرداد سال 1359 شمسی از دنیا رفت.